

پیش‌خوانی

به بهانه باز نشر خاطرات دکتر محمدحسن سالمی نوه آیت‌الله کاشانی

پدر بزرگ را اینگونه دیدم

■ **شاهد توحیدی**



دوم نیز رسیده است. اهمیت این اثر تاریخی در آن است که پاره‌ای رویدادهای تاریخی و خاطرات ناگفته، برای آغازین بار در آن بیان شده است. از منظر نگارنده، برخی از این موارد که می‌تواند برای پژوهشگران تاریخی جذاب و دستمایه تحلیل‌های ایشان باشد، به شرح ذیل است:

ظاهر ا رضاخان سردار سپه در زمانی که ریاست وزرا را به عهده داشت به دیدار آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی، پدر بزرگ دکتر سالمی رفت. کسی که در خانه آیت‌الله را سه روزی او باز کرد، مشهدی جعفر یکی از خدمتکارهای پدر سالمی بود. سردار سپه به او گفت: «برو به آقایو رضا آمده!» آیت‌الله، رضا را به جا آورد و گفت: «برو تعارفش کن باید داخل!» سردار سپه وارد خانه شد و به آیت‌الله گفت: «انگلیسی‌ها خواست‌اند شما را دستگیر کنم. فعلاً مقاومت کردم، ولی اگر بابت را توی کفش من بکنی فوری تحویلت می‌دهم.»^(۱)

آیت‌الله کاشانی با جمهوریت مخالف و با خلع قاجار به موافق بود؛به همین دلیل در مجلس مؤسسان به تغییر سلطنت رای داد.رضاشاه بعدها دربارها ایشان گفته بود: «تنها اخوندی که حرفش با عملش می‌خواند مجتهد کاشانی است.»^(۲)

من در نوجوانی با دکتر نجشپ رئیس گروه خدابرستان سوسیالیست نزدیک بودم و با منضم شدن این گروه به حزب ایران مخالفت کردم، ولی مخالفت من کاری از پیش نبرد.^(۳)

در سال‌های ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶ «در اثر بحث‌هایی که در جمعیت خدابرستان سوسیالیست با هم می‌کردیم به فکر افتادیم برویم با شاه صحبت کنیم.» به شرحی



دکتر محمد حسن سالمی

می‌گویم، این ملاقات صورت گرفت و من بی‌برده برخی از مشکلات مملکت را ذکر کردم. شاه به ظاهر با باری خوش آنها را شنیدند و خود نیز به ذکر بعضی دیگر از مشکلات مملکت پرداخت. ترتیب این دیدار را مصطفی‌فرزند آیت‌الله کاشانی داده بود.^(۴) در یکی از شب‌هایی که در منزل آقای کاشانی گرم بحث و جدل سیاسی بودیم، پدرم گفت: «یک مرد پیدا نمی‌شود این رژیم را از رازند!» خلیل طهماسبی گفت: «قای سالمی آمد پیدا می‌شود، منتها موقعیت دست نمی‌دهد.»^(۵)

در پاسخ این پرسش که پس از قتل رزم‌ار او آزادی خلیل طهماسبی وقتی وی نزد آیت‌الله کاشانی رفت، چرا آیت‌الله به سر خلیل طهماسبی دست کشید، می‌گوید: «خود آیت‌الله توضیح داده است که خلیل طهماسبی خود سرم ترم می‌کند،برایم دعا بخوانید تا خوب شوم،من هم دست‌روی سرش گذاشتم وبرایش دعا خواندم.»^(۶)

من تا حدی با دکتر صدیق نزدیک بودم که وقتی دکتر از امریکا با لایحه به تهران بازگشت و استقبال مفصلی از او شد، من نیز در بین مستقیمین بودم. دکتر صدیق با من بی‌وفاسی کرد و گفت: «اوه اوه!چه ریش‌هایی!…»^(۷) پس از ۲۸ مرداد آقای مصطفی کاشانی، پسر آیت‌الله در رادیو گفت: «من از طرف حضرت آیت‌الله کاشانی به ملت ایران تبریک می‌گویم.» بعد دکتر شروین هم به همین ترتیب در رادیو ۲۸ مرداد را تبریک گفت، ولی بعد آیت‌الله کاشانی به پسرش گفت: «بیخود کردی رفتی در رادیو صحبت کردی!»^(۸)

اینکه کیانوری گفته است در ۲۸ مرداد به خانه دکتر صدیق تلفن کردم، تلفن قطع بود، صحیح نیست، زیرا دکتر صدیقی نوشته در همان روز به خانه دکتر صدیق تلفن ویاو صحبت کرده‌است.^(۹)

مصاحبه‌کننده از راولی پرسیده است: «پدر بزرگ‌تان چه اشتباهاتی کرده‌است؟» وی پاسخ داد: «به خاطر جلب رضایت دکتر صدیق روحانیست را از خودش رنجاند. دومین اشتباهش این بود که خیلی فداکاری کرد، خیلی از خودش مایه گذاشتند، در صورتی که دکتر صدیق خیلی به فکر شأن و شئون خودش بود… دیگر اینکه در واقعه‌نهم اسفند به خاطر حفظ منافع مملکت به شاه گفت از مملکت نرو.د. همین عمل ایشان یک مهر شاه‌دوستی به پدر بزرگم زد.به علاوه برخلاف دکتر صدیق در خنامه‌اش به روی همه مردم باز بود.»^(۱۰) امید می‌بریم که این اثر تاریخی که شیوه بیان گوینده بر جذبات آن افزوده است، در ایران نیز به زور طبع آراسته و در اختیار آریاب پژوهش قرار گیرد.
«موارد مذکور تماماً از کتاب «یاد باد» است.



نیم‌نگاهی بر کارکرد فرح دیبا در طول ۴ دهه پس از پیروزی انقلاب

شهبانو، پیری و معرکه‌گیری در رسانه‌های انگلیسی!

■ **نیما احمدپور**

نظری بیه کارنامه بیوه شاه مخلوع پس از فرار از ایران تا هم اینک، می‌تواند نمادی از عمق نا کار آمدی اپوز بیسیون خارج نشین باشد. این خوانش هنگامی از اهمیت مضاعف برخوردار می‌شود که در آستانه چهلمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی و در مقام ارزیابی شرایط خاندان پهلوی در دوره اکنون باشیم. امید آنکه مقبول افتد.

■ ■ ■

■ **آغازی بر یک خواب زمستانه**

بعدادظهر ۲۶ دی ماه ۱۳۵۷ که فرح دیبا در کنار محمدرضا پهلوی در حال خروج از ایران بود، به‌رغم ملال و افسردگی مفرط، سعی داشت تا لیخندی ضعیف بر لب داشته باشد. او از آن لحظه تا موسم مرگ شاه در بیمارستان معادی قاهره، تنها در نقش ملکهای یخت‌برگشته ظاهر می‌شد. در تشییع جنازه شاه، هیچ‌یک از دوستان صمیمی دوران سلطنتش نظیر ملک‌حسین پادشاه اردن یا ملک‌حسین پادشاه مراکش و مقامات اروپایی شسرت نکردند، به جز ریچارد نیکسون (رئیس‌جمهور سابق امریکا) و انور سادات (رئیس‌جمهور وقت مصر). جنازه شاه با تشریفات نظامی که سادات فراهم کرده بود، روی یک عراده توپ، از بیمارستان المعادی که در آن فوت کرده بود تا مسجد الرفاعی، تشییع و در همان مسجد به خاک سپرده شد. تمامی کسانی که این منظره را دیدند، آن را مفهوم مرگ همسر سوم شاه تلقی می‌کردند و گذشت تقریباً چهار دهه از آن روز، نشان می‌دهد آنان چندان هم بی‌بط فکر نمی‌کردند.

■ **نایب‌السلطنگی در زمانیکه**

پس از مرگ محمدرضا، تا نزدیک یک سال، فرح و مادرش و فرزندان شاه در کاخ قبه و نزد سادات ماندند. در حالی که حدود دو سال از سقوط رژیم پهلوی و استقرار جمهوری اسلامی می‌گذشت و فرح به استناد متمم قانون‌اساسی شاهنشاهی، چون هنوز رضا پهلوی به ۲۱ سالگی نرسیده بود، خود را نایب‌السلطنه می‌دانست! چند ماه بعد، رضا پهلوی به ۲۱ سالگی رسیده بود، خود را شاه ایران خواند و بدین صورت دوران نایب‌السلطنه بودن فرح دیبا، بیش از چند ماه، دوام نیاورد. در همین فاصله تجاوز سراسری رژیم بعث عراق به جمهوری اسلامی شروع شد و فرح در اولین هفته‌های آغاز جنگ عراق علیه ایران، با صدور بیانیه‌ای که با عنوان نایب‌السلطنه امضا شده بود، از نیروهای مسلح ایران خواست یکی از مسائلی که فرح از ابتدای سقوط سلطنت با آن دست به گریبان بوده است، اتهاماتی است که بسیاری از وابستگان رژیم شاه در خاطر ایشان به فرح و اطرافیانش وارد کرده و فرح را از مقصرین اصلی سقوط سلطنت پهلوی می‌دانست، می‌کنند.

از جمله افرادی که با صراحت به فرح تاخته‌اند، می‌توان به اشرف پهلوی و تاج‌الملوک اشاره کرد. این درگیری‌ها به جایی رسیده بود که رضا پهلوی از مادر بزرگش (تاج‌الملوک) خواسته بود در مورد فرح چیزی نگوید! چند ماه بعد از مرگ شاه، تاج‌الملوک حاضر نشدند مخارج کفن و دفن او را بپردازند تا فرح تاج‌الملوک، هیچ‌یک از اعضای خانواده پهلوی فوت نشده‌اند مخارج کفن و دفن او را بپردازند تا اینکه فرح به این منظور ۵ هزار دلار برای غلامرضا پهلوی -برادر ناتنی شاه- فرستاد، ولی غلامرضا که الوده به مواد مخدر بود این پول را خرج خود



فرح دیبا در حال گشت و شنود تبلیغاتی باشبکه موموم به من ترو



فرح دیبا در حال گشت و شنود تبلیغاتی باشبکه موموم به من ترو

می‌کند که بیوه پهلوی ضمن امتناع از پرداخت مبلغ، دغل‌بازی و کلاشی‌های صادق صبا را در برخی محافل خصوصی خویش مطرح می‌نماید و این وضعیت مناقشه‌ای پنهان بین صادق صبا، باند تولیدکننده فیلم و بیوه پهلوی به وجود آورده است. مسئولان ارشد بی‌بی‌سی هم که از ماجرا مطلع شده‌اند، در تلاش هستند رسوایی به وجود آمده را به نوعی مخفی نمایند.»

■ **«ملکه و من»؛ آغازی بر معرکه‌گیری در رسانه‌های انگلیسی**

در همین دوره بود که مستند تبلیغی «ملکه و من» بارها و بارها از تلویزیون بی‌بی‌سی پخش شد. این فیلم که در مضمون خویش فاقد طرح ابتدایی‌ترین انتقادات به روش فرح دیبا در دوران پیش و پس از انقلاب بود، واکنش‌هایی را در داخل و خارج به دنبال داشت از نوع ذیل:

«در هفته‌های پایانی بهمن ماه مستندی با نام «ملکه و من» از شبکه انگلیسی بی‌بی‌سی پخش شد. در این مستند مبارزی توده‌ای که قبل از انقلاب با شاه مبارزه کرده بود به دنبال ساخت مستندی از زندگی فرح پهلوی است. این مستند چهار سال پیش ساخته شده ولی بارها و بارها در شبکه بی‌بی‌سی بازپخش شده است. او شدیداً پیگیر مصاحبه با فرح پهلوی می‌شود تا بالاخره اجازه فیلمبرداری و مصاحبه را از او می‌گیرد. این مستند در راستای ارائه چهره‌ای مظلوم از فرح است تا آن را به نمایش درآورند. در این مستند و بالاخص زمان مصاحبه بافرح آهنگ‌های مغممگین و غریبی پخش می‌شود تا بتواند احساسات مخاطبان را بازپچه قرار دهد. در قسمتی از این مستند فرح ایمیل‌های مردمی که به دستش رسیده را می‌خواند. ایمیل‌هایی که این مستند را برای کسانی که این خاندان را می‌شناسند بیشتر شبیه به طنز می‌کند تا یک مستند درام. در یکی از این ایمیل‌ها شخصی از فرح خواستار آید بد شده است که فرح می‌گوید: «من جدیداً به آید پند خریدم و می‌تونم اون قدیمی رو دم بهش. فقط نمی‌دونم سیماش کجاست…» یا در ایمیلی دیگر که جوانی خواستار صحبت با فرح شده در این مستند فرح با او تماس می‌گیرد و جوان بسیار از صحبت با او خوشحال می‌شود. در قسمتی دیگر از این مستند فرح وقتی می‌شود که برادر یک دختر به دست افراد انقلابی اعدام شده به شدت متأثر می‌شود و می‌گوید: «خیلی ناراحت می‌شم وقتی می‌بینم ابر اینایی بی‌گناه کشته میشن.» البته در این قسمت از مستند بنا بر این شیوه بی‌بی‌سی که تلاش می‌کند خود را بی‌طرف نشان دهد شبهه‌ای را در ذهن مخاطبان ایجاد می‌کند.»

■ **دومین خودکشیی در میان فرزندان شهبانو**

در میانه پروپاگانداي جدید بی‌بی‌سی در تبلیغ برای بیشه شاه، اتفاقی افتاد که به‌شدت برای خاندان جلیل سلطنت گران تمام شده علیرضا پهلوی فرزند دیرین فرح دیبا، در منزل سکونی خویش در امریکا به حیات خود پایان داد. در روزهای اعلام این خبر، بسیاری از فرح سؤال می‌کردند: خانواده‌ای که قسدرت اداره خود را ندارند، چگونه دوباره می‌خواهد سه‌داره یک کشور بپردازد؟ آنچه در پی می‌آید، نمونه‌ای از واکنش‌ها به لاپوشانی خانواده پهلوی درباره علل مرگ علیرضااست: «خانواده پهلوی در بیانیه‌ای که پس از مرگ علیرضا منتشر کرده‌اند گفته‌اند که وی به دلیل وضعیت مردم ایران(۱)، فوت خواهرش و مرگ پدرش افسرده بود و در نهایت نتوانسته بر افسردگی خود فائق آید این دلایل بر شمرده شده هیچ کدام قانع‌کننده نیستند چراکه:

اولاً: علیرضا هنگام خروج از ایران تنها ۱۲ سال داشته و بیشتر عمر خود را در خارج از ایران گذرانده بود. بنابر این افسردگی دوری از وطن برای چنین فردی نمی‌تواند انگیزه‌ای قوی برای خودکشی ایجاد کند، چه آنکه بسیاری از فراریان و مهاجران از کشور در سنین بسیار بالاتر جلای وطن کردند و هم‌اینک نه تنها افسرده نیستند بلکه به زندگی عادی و طبیعی خود در گوشه‌ای از دنیا مشغول هستند.

ثانیاً: اگر افسردگی ناشی از عواملی که در بیانیه کوتاه خانواده پهلوی درباره علت خودکشی علیرضا بیان شده، دلیل مرگ او بوده، چرا خانواده پهلوی یک چنین آدم افسرده‌ای را به حال خود رها کرده بودند تا تنها در گوشه‌ای از دنیا در گرداب افسردگی غوطه‌بزند و در نهایت خودکشی کند؟ البته خبرها و گزارش‌هایی نیز در برخی سایت‌ها منتشر شده که ماجرای عشقی و حادثه غرق شدن معشوقه فرزند سوم شاه، دلیل انگیزه اصلی افسردگی و خودکشی او ذکر شده، اما همین مسئله نیز در بیانیه خانواده پهلوی مورد اشاره قرار نگرفته و در عوض آن به مسئله افسردگی علیرضا در اثر وقایع ایران و مرگ لایلا و پدرش و… اشاره شده است. «ماست‌مالی» کردن حقایق، دردی را از خانواده پهلوی درمان نمی‌کند. اینکه چرا دو عضو یک خانواده طی کمتر از یک دهه دست به خودکشی می‌زنند، نیازمند بررسی است، چراکه کتمان دلایل واقعی خودکشی لایلا پهلوی سبب نشت تا برادر بزرگ‌تر او علیرضا نیز به راه خواهر کوچک‌تر نرود.»

د

فتنه امریکایی – اسرائیلی ۱۳۸۸ و رونمایی از برخی شعارهای ساختار شکن در طول آن، فرح دیبا و فرزندش را – که تا آن روز حتی نمی‌توانستند به براندازی فکر کنند – به عرصه تبلیغ رسانه‌ای بازگرداند. در همان دوره افشاگری‌هایی موجب شد تا پشت پرده ولخرچی‌های شهپانو در ساختن مستندهای تبلیغی تا حدی به بیرون درز کند

به خانم شیرین عبادی، برای من شادی بزرگی به همراه داشت. من از این بابت احساس غرور می‌کنم. از روزی که این خبر را شنیدم، وقتی در خیابان راه می‌روم، احساس سرافرازی می‌کنم. من برای خانم عبادی آرزوی موفقیت بیشتری می‌کنم و از خلال مبارزه او، مبارزه در راه آزادی و سرفرازی زن ایرانی را می‌بینم. موفقیت خانم شیرین عبادی، بزرگ‌ترین هدیه‌ای بود که به مناسبت سالروز تولدم به من داده شد!»

■ **آغازی بر سراسری دوزی مستندهای تبلیغاتی برای تطهیر خاندان سلطنت!**

فتنه امریکایی– اسرائیلی ۱۳۸۸ و رونمایی از برخی شعارهای ساختار شکن در طول آن، فرح و فرزندش را – که تا آن روز حتی نمی‌توانستند به براندازی فکر کنند – به عرصه تبلیغ رسانه‌ای بازگرداند. در همان دوره افشاگری‌ای موجب شد تا پشت پرده ولخرچی‌های شهبانو در ساختن مستندهای تبلیغی تا حدی به بیرون درز کند: «مدیر بخش فارسی بی‌بی‌سی ضمن زد و بند با بیوه محمدرضا پهلوی، افتضاح تازه‌ای را برای این شبکه دولتی انگلیس رقم زد. یازدید بیوه ۷۵ ساله محمدرضا پهلوی از بی‌بی‌سی فارسی به یک کلاهدرداری جنجالی انجامید. بنگاه سلطنتی انگلستان به شرطی به بیوه شاه سابق اجازه بازدید از بی‌بی‌سی فارسی را داده می‌گود که این بازدید و حواشی آن مقرر بماند. این شرط مورد موافقت فرح دیبا قرار گرفته بود، اما ماجرا آنطور که انتظار می‌رفت پیش

■ **دعوی اصلی بر سر مایملک محمدرضا پهلوی**
اختلافات مالی بین ورته محمدرضا، یکی دیگر از اموری است که فرح تا امروز بدان مشغول بوده است. از جمله اختلاف و درگیری‌های فرح با ارشدیر زاهدی و رجوع این اختلاف به دادگاه‌های امریکا، بر سر اوتومبیل‌های ضد گلوله مرسدس بنز و لیموزین‌های سفارزخانه‌های مختلف ایران در اروپا بود که این شرط زاهدی ادعا کرده بود آنها را به جای طلب ۷۰۰ هزار دلاری‌اش از شاه، فروخته است!

براساس وصیتنامه محمدرضا، فرح ۱۵ درصد، رضا پهلوی ۲۰ درصد، علیرضا پهلوی ۲۰ درصد، فرحتاز ۱۴ درصد، لایلا ۱۴ درصد، شهنشاز ۱۰ درصد به‌منزاد (نوه محمدرضا) ۲ درصد از کل دارایی‌ها و ثروت شاه را به ارث برند. به گفته فریده دیبا، فرح، سهمش از اموال و دارایی شاه را در بنیاد مالی راکتفر که از بزرگ‌ترین کارتل‌های اقتصادی ایالات متحده امریکاست، سرمایه‌گذاری کرده است.

■ **آغاز رویای براندازی جمهوری اسلامی!**

دور جدید فعالیت‌های سیاسی – اجتماعی فرح بعد از مرگ شاه، متوجه براندازی نظام جمهوری اسلامی بوده‌است. از جمله اصلی‌ترین این فعالیت‌ها می‌توان به حمایت مالی فرح از راه‌اندازی رسانه‌ها و نشریات و گروه‌های سلطنت‌طلب اشاره کرد که البته نحوه هزینه‌کردن این سرمایه‌ها نیز قابل توجه است. مادر فرح به گوشه‌ای از این حمایت‌ها و فرجام آنها اشاره کرده است:

«ملار! تشدید بهرام آریانی‌امی گفت ۵۰ هزار نفر جنگجوی زبده در مرز ایران و ترکیه سازماندهی کرده و حالا خرید تسلیحات نظامی پول می‌خواهد و بدین ترتیب چند میلیون دلار ما را تیع زد، بعداً فهمیدیم که همه پول‌ها را صرف قمار در کازینوهای لندن و معشوقه جوان خود کرده‌است.»

فرح همچنین پنج تا هشت میلیون دلار به متوجهر گنجی (وزیر سابق آموزش و پرورش) پرداخت کرد تا تشکیلات جمهوری اسلامی به راه بیندازد. در عین حال، فرح نیاز مالی کیهان سلطنت‌طلب (چاپ لندن) را با پرداخت میلیون‌ها دلار به مصاح‌زاده و علیرضا نورزی زاده نیز تأمین می‌کرد. فعالیت‌های فرح در دهه دوم حیات جمهوری اسلامی و بعد از نامیدی از براندازی نظام را می‌توان در ارسال پیام‌های سالانه نوروزی که در آن مردم ایران را به براندازی جمهوری اسلامی دعوت می‌کند و یگه‌گاه، ارسال پیام تسلیت به مناسبت در گذشت یکی از وابستگان خاندان پهلوی، خلاصه کرد. در سال ۱۳۷۶، فریده دیبا، مادر فرح در پاریس درگذشت و در بهار ۱۳۷۹، لایلا کوچک‌ترین فرزند شاه و فرح، با خوردن تعداد زیادی قرص خواب‌آور، خودکشی کرد که اثر فوق‌العاده نامطلوبی بر وجهه خاندان پهلوی و شخص فرح وارد آورده و افعهای که بعد از مدت‌ها نام فرح را در داخل کشور، بر سر زبان‌ها انداخت. این مورد نیز چاپ پیام تبریک فرح به مناسبت سال نو (۱۳۷۷) در روزنامه زن بود که در فضای سیاسی و مطبوعاتی داخل و خارج کشور، بازتابی نمایان داشت.

یکی از اظهارنظرهای فرح در آن سال‌ها درخصوص مسائل ایران، واکنش وی به خبر اعطای جایزه نوبل به شیرین عبادی است. فرح در گفت‌وگویی با کانال سوم تلویزیون فرانسه در مارس ۲۰۰۳ میلادی، در این خصوص گفت: «اعطای جایزه نوبل صلح

علیرضا پهلوی فرزند فرح دیبا که چندسال پیش دست به خودکشی زد



د

در میانه پروپاگانداي جدید بی‌بی‌سی در تبلیغ برای بیوه شاه، اتفاقی افتاد که به‌شدت برای خاندان جلیل سلطنت گران تمام شد! علیرضا پهلوی فرزند دیگر فرح دیبا، در منزل مسکونی خویش در امریکا به حیات خود پایان داد. در روزهای اعلام این خبر، بسیاری از فرح سؤال می‌کردند: خانواده‌ای که قدرت اداره خود را ندارد، چگونه دوباره می‌خواهد به اداره یک کشور بپردازد؟